محاکمه عاملان قتل‌های سریالی زنان تهرانی

عاطفه آزاد

جلسه محاکمه دو متهم جنجالی ترین قتل های سال ۸۴ صبح دیروز در دادگاه کیفری استان تهران برگزار شد. علیرضا و اعظم متهمان پرونده قتل های سریالی زنان متهم هستند که در پاییز سال ۸۴ با ورود به خانه زنان تنهایی که برای فروش خانه در روزنامه آگهی کرده بودند بعد از بستن دست و پای آنها با طنابی قرمزرنگ با ضربات متعدد چاقو زنان را می کشتند.

■ قتل سه زن تنها در خانه

بیست و ششم آذرماه پارسال بوی غذای سوخته، همسایگان زن ۵۰ساله ساکن خیابان گاندی را بر آن داشت تا به منزل او بروند. در زدن های همسایگان بی جواب ماند تا آنجا که با همسر زن تماس گرفتند. مرد بلافاصله به خانه آمد و پس از ورود به منزل در داخل اتاق خواب با جسد خون آلود همسرش روبه رو شد؛ درحالی که دست ها و پاهایش با طناب قرمزرنگی بسته شده و جای ضربات متعدد چاقو بر بدنش نمایان بود. مقتول به رغم حضور در منزل مانتو و روسری داشت و تحقیقات حاکی از آن بود که سرقت مهمی انجام نشده است. کارآگاهان هنوز سرنخی از عامل یا عاملان قتل فرحناز به دست نیاورده بودند که گزارش قتل زن دیگری در شهرک غرب تهران به پلیس داده شد. شوهر مهناز زن ۵۰ساله ششم دی ماه پس از مراجعت به منزل در ساعت چهار بعدازظهر با جسد خون آلود همسرش در وسط اتاق مواجه شد. دست و پاهای مهناز نیز با طناب پلاستیکی قرمزرنگ بسته شده بود و ضربات چاقو بر پهلوها و گردنش مشخص بود. این زن بازنشسته و ثروتمند بود و پیکرش در حالی در خانه کشف شد که مانتو و روسری به تن داشت. از خانه او کیف سامسونتی به سرقت رفته بود که در آنها تنها دو فقره تراول چک ۵۰ هزار تومانی وجود داشت. تحقیقات اولیه نکات عجیبی را روشن کرد زیرا مهناز نیز مانند فرحناز زنی که به نظر می رسید با همان وضعیت به قتل رسیده آگهی فروش منزلش را در روزنامه ها به چاپ رسانده بود. وضعیت پوشش هر دو زن نیز حاکی از آن بود که یا تازه به منزل وارد شده بودند و یا در انتظار شخصی به سر می بردند. به هر حال تمامی شواهد نشان می داد قتل دو زن توسط یک نفر انجام شده است اما انگیزه آن مشخص نبود. کارآگاهان در جست وجوی عامل یا عاملان قتل فرحناز و مهناز بودند که سومین قتل در یازدهم دی ماه در قلهک گزارش شد. شوهر شهره زن ۴۱ساله که پس از بی جواب ماندن تماس های تلفنی اش نگران شده بود، هنگام ظهر به خانه آمد و با جسد خونین همسرش روبه رو شد. دست و پاهای شهره نیز مانند دو زن قبلی با طناب پلاستیکی قرمزرنگ بسته شده بود و آثار ضربات متعدد چاقو به پهلوها و گردنش مشخص بود. شوهر شهره به پلیس گفت: ۱۵ دقیقه قبل از قتل با همسرم تلفنی صحبت می کردم، هنگام صحبت زنگ خانه به صدا درآمد و شهره به من گفت که برای دیدن خانه آمده اند. شهره نیز مانند دو زن قبلی آگهی فروش خانه اش را در روزنامه چاپ کرده بود.

با وقوع این سه قتل پلیس به زنان هشدار داد که هیچ فرد غریبه ای را به خانه راه ندهند و تیم ویژه ای برای شناسایی و دستگیری عامل یا عاملان قتل ها آغاز شد. البته در آن مقطع زمانی قتل های دیگری نیز رخ داده بود و قربانیان درحالی که تنها در خانه به سر می بردند به قتل رسیده بودند اما هیچ یک از آنها شباهتی به این سه قتل نداشت و تیم ویژه با توجه به نکات مشترک موجود در این سه پرونده تحقیقات خود را بر روی آنها متمرکز کردند. تیم ویژه تحقیق موفق شدند در اولین گام با کمک شاهدانی که ورود قاتلان به خانه قربانیان را دیده بودند از آنها چهره نگاری کنند.

پلیس از سوی دیگر در حال شناسایی فردی بود که تراول چک های سرقت شده را خرج می کرد.

■ قتل برای پول

بررسی تماس های تلفنی تماس گیرنده ها با منزل مقتولان، یک شماره تلفن واحد در خیابان آفریقا را مشخص می کرد. با توجه به چهره نگاری انجام شده از متهمان، پلیس به آدرس تلفن یاد شده مراجعه و سرانجام در یک نیمه شب علیرضا متهم ردیف اول پرونده را در خانه اش دستگیر کرد. با دستگیری او علیرضا به ناچار آدرس سکونت زنی که در انجام قتل ها با او همکاری کرده بود را در اختیار پلیس قرار داد و پلیس در نهایت اعظم دختر ۲۲ساله را هم بازداشت کرد. علیرضا در بازجویی ها گفت: سه ماه پیش به دلیل اختلاف مالی تصمیم به سرقت گرفتم. به همراه اعظم و از طریق آگهی روزنامه آدرس خانه را می گرفتم و به آنجا می رفتیم. یکی از روزها وارد خانه ای شدیم که زنی تنها آنجا بود. پس از بستن دست و پای صاحبخانه مقداری پول و طلا پیدا کردیم و بعد برای اینکه او ما را شناسایی نکند، تصمیم به قتل او گرفتیم و با ضربات چاقو او را کشتیم. چند روز بعد به خانه دیگری رفتیم و مانند دفعه قبل همان کارها را انجام دادیم. سه یا چهار روز بعد به خانه ای در پاسداران رفتیم و باز هم همان کارها را انجام دادیم.

اعظم متهم دیگر پرونده هم پس از دستگیری به اتهام خود اعتراف کرد و گفت: از سوپرمارکت طناب قرمزی خریدم و به همراه علیرضا به خانه اول رفتیم. قصد داشتیم برای بازدید خانه وارد شویم و از آنجا سرقت کنیم که در حال بازدید علیرضا ناگهان چاقو را زیر گلوی او گذاشت و زن هم از ترس گفت هر چه می خواهید بردارید. علیرضا او را روی تخت خواباند و من دست و پاهایش را بستم. بعد مشغول جست وجوی منزل شدیم و جای طلاها را از زن پرسیدیم، بعد از برداشتن طلاها و پول ها علیرضا خواست با سیم برق او را خفه کند اما در نهایت با چاقو چند ضربه به گردنش زد و سرش را برید.

چند روز بعد به خانه دیگری رفتیم. بعد از دیدن خانه علیرضا چاقو را درآورد و شروع به تهدید زن کرد. سپس او را به اتاق خواب بردیم و من دست ها و پاهایش را بستم اما طناب شل بود و او بازش کرد. دوباره دست ها را بستیم و زن آنقدر مقاومت کرد که لباس های علیرضا هنگام کشتن او خون آلود شد. تمام اثرات انگشت را پاک کردم و پول ها را تقسیم کردیم.

در سومین خانه هم علیرضا هنگام دیدن اتاق خواب از پشت چاقو روی گردن زن گذاشت. روی تخت دست و پایش را بستیم و پس از جست وجوی پول و طلا پتویی روی او انداختیم و علیرضا با چاقو او را به قتل رساند. با این اعترافات دو متهم به شرکت در سه قتل اعتراف کردند و صحنه قتل را هم بازسازی کردند. نظریه پزشکی قانونی حاکی از آن بود که متهمان دچار مشکل روانی نیستند و علایمی از جنون در آنها دیده نمی شود. علیرضا انگیزه اش از انجام قتل ها را تنها «نیاز مالی» عنوان کرد. اعظم متهم دوم پرونده مدتی بعد از اعترافات مبسوط خود در مرحله تحقیق و بازسازی صحنه معاونت در قتل ها را انکار کرد. او در مرحله پایانی تحقیقات گفت: پس از دستگیری متوجه شدم که علیرضا قتل انجام داده است. با این وجود و با توجه به اعترافات قبلی دو متهم دادسرای جنایی تهران کیفرخواستی تنظیم کرد که براساس آن علیرضا متهم ردیف اول متهم به مباشرت در قتل سه زن و اعظم به عنوان معاون در قتل سه زن مطرح بودند. دیروز دو متهم در شعبه ۷۱ دادگاه کیفری استان تهران حاضر شدند تا در مقابل قاضی عزیزمحمدی رئیس دادگاه و چهار قاضی مستشار رحیمی، شهرابی فراهانی، افتخاری و عبداللهی از خود دفاع کنند. بخش زیادی از صندلی های سالن بزرگ دادگاه کیفری واقع در مجتمع امام خمینی، توسط افرادی اشغال شده بود که از وابستگان سه مقتول پرونده بودند؛ زنانی صاحب همسر و فرزند. اولیای دم هر یک از مقتولان در جایگاه قرار گرفتند و در مقابل پنج قاضی خواستار صدور رای اشد مجازات (قصاص) برای متهمان شدند.

■ گفته های یک بازمانده

بهارک زنی که دو متهم یک بار برای خرید خانه به منزلش رفته بودند با دستور قاضی به تشریح آن روز پرداخت. او گفت: آن دو برای دیدن خانه به منزل ما آمدند. وقتی متوجه شدم که از آسانسور استفاده نکردند و از پله ها بالا آمدند تعجب کردم. آنها بدون دیدن آشپزخانه به سالن رفتند. و بعد به سمت اتاق های خواب. زن به یک اتاق وارد شد و مرد به اتاق دیگر. مرد بعد از دیدن گربه من شروع به بازی با آن کرد و زن در اتاق خواب بی توجه به اتاق به صورت عجیبی به کمد نگاه می کرد. وقتی مرد در آستانه در اتاق حاضر شد احساس کردم زن با سر به مرد اشاره ای کرد. صدای نفس نفس زدن مرد را پشت سرم می شنیدم که به سرعت از اتاق خارج شدم و به سمت در خروجی رفتم و در حالی که روی پله ها ایستاده بودم به علیرضا گفتم کار دارم و باید از خانه خارج شوم. علیرضا چند بار گفت: اعظم بیا! در نهایت زن (اعظم) با تاخیر در آستانه در ظاهر شد و آن لحظه احساس کردم که چشم غره ای به من می رود و از خانه خارج می شود.

مدتی بعد با خواندن روزنامه از موضوع قتل ها مطلع شدم و بعد از قتل دوم موضوع را به پلیس خبر دادم.

■ علیرضا: من شاهد همه قتل ها بودم

علیرضا ۲۹ ساله، متهم ردیف اول پرونده در جایگاه قرار گرفت و در پاسخ قاضی که پرسید اتهام قتل را قبول داری؟ گفت: قتل نه! او آشنایی با اعظم را انکار نکرد و پذیرفت به خانه هایی که قتل در آنجا انجام شده، وارد شده بود، اما فقط برای سرقت! متهم در پاسخ به سئوال قاضی که پرسید شما به کرات در دادسرا صحنه قتل ها را تکرار و به آن اعتراف کردی، پاسخ داد: «من شاهد همه قتل ها بودم.» و وقتی قاضی پرسید پس قاتل کی بود، گفت: «اعظم مرتکب قتل ها شده. من قرار قتل نداشتم، فقط تحت اجبار برای سرقت به خانه ها می رفتم.»

او توضیح داد: «در خانه اول کمک کردم، خانم را گرفتم و تهدید کردم، اما چاقویی نداشتم، چاقو مال اعظم بود. خانم را روی تخت خواباندم تا از خانه خارج شویم اما اعظم بی مقدمه به او چاقو زد.»

قاضی از او پرسید: اعظم چطور سر آنها را برید، او ابتدا گفت: دیدم اما نمی توانم شرح دهم او بعد از مدتی صحنه سر بریدن را اجرا کرد که با انتقاد قاضی مواجه شد، زیرا طرز قرارگیری مقتول، اعظم و علیرضا به گونه ای بود که نمی توانست گردن را از سمت چپ به راست بریده باشد و او به ناچار صحنه را به گونه ای دیگر بازسازی کرد!

قاضی از او پرسید: در قتل دوم در حالی که در قتل دخالت نداشتی چطور خونی شدن لباس هایت را توجیه می کنی، متهم پاسخ داد: اعظم او را با چاقو زد اما زن بلند شد و دقیقاً رودرروی من قرار گرفت. من هم مجبور شدم او را بگیرم و دوباره سرجایش بخوابانم. متهم در حالی این جواب را داد که قاضی توضیح داد: خون مقتولان فقط در محل قتل و سر بریدن ریخته و نشان می دهد که مقتولان در همان جا بدون حرکت فوت کرده اند. اما قاضی پس از اشاره به خونی شدن لباس متهم ردیف اول در قتل دوم از او پرسید، چرا در قتل سوم تمام لباس هایت را از تن درآورده بودی، به او پاسخ داد: برای آنکه خونی نشود.

قاضی پرسید: چرا خونی نشود، در حالی که قتل اول را انکار می کنی نباید برای مرتبه دوم و سوم دخالت می کردی.

متهم جواب داد: من منکر قتل ها نمی شوم، قتل ها انجام شده است. گفت وگوی قاضی و متهم به چاقو (آلت قتاله) رسید که علیرضا معتقد بود، متعلق به اعظم است و البته توانایی وارد کردن ضربات متعدد چاقو به بدن زنان را نداشته اما متهم تاکید کرد که از سوی اعظم (متهم ردیف دوم) تهدید شده است. او ادامه داد: تحت فشار قرار دادن من برنامه ای بود که اعظم از یک سال پیش آن را به اجرا درآورده بود. او عکس و تصاویری از من و یکی از خانم های همکارم داشته که فراتر از یک رابطه کاری بود و با آن مدارک مرا تحت فشار گذاشته بود.

قاضی از او پرسید: انگیزه اعظم از قتل ها چه بود؟

او پاسخ داد: نمی دانم!

وقتی گفت وگوی قاضی و متهم به بازمانده سوءقصد آن دو رسید علیرضا از حضور زنی که در چهره نگاری به پلیس کمک کرده بود اظهار خوشحالی کرد و درباره آن سوءقصد گفت: آن روز اعظم تاکید داشت، کار را انجام دهیم، اما من نمی خواستم. ما خانه های دیگری هم رفته بودیم که بدون انجام کاری از آنجا خارج شده بودیم.

قاضی از گرفتاری های مالی علیرضا به عنوان قوی ترین انگیزه برای سرقت و قتل یاد کرد اما متهم در پاسخ به او گفت: من به ۴-۳ میلیون احتیاج نداشتم.

قاضی پرسید: صحنه بازسازی را قبول دارید؟

متهم جواب داد: نه! من آن صحنه ها را فیلم بازی کردم.

قاضی پرسید: اگر مرتکب قتل ها نشدی، چرا به پلیس خبر ندادی؟

متهم جواب داد: می خواستم در خانواده آبروریزی نشود که شد. از طرفی خودم هم درگیر شده بودم.

با خاتمه دفاعیات متهم اصلی، وکیل مدافع او به دفاع از متهم پرداخت. او بیش از هر چیز از اطلاع رسانی رسانه ها در مورد قتل ها و اعترافات علیرضا انتقاد کرد و در مرحله بعدی چاقو را محور دفاع خود قرار داد. چون متهم ردیف اول و وکیل او هر دو معتقد بودند چاقو متعلق به اعظم است.

■ اعظم: علیرضا مرا خام کرد

اعظم متهم ردیف دوم پرونده با ۵۳ کیلو وزن پس از قرار گرفتن در جایگاه پیش از هر چیزی به سئوال قاضی که پرسید چندکیلویی جواب داد. او هم اتهام قتل را نپذیرفت و قتل را به گردن علیرضا انداخت و گفت: «قرار نبود قتلی اتفاق بیفتد.» او با تشریح چگونگی آشنایی اش با علیرضا و کار در شرکت او گفت: علیرضا مرد زبان بازی بود که راحت توانست مرا خام کند. وقتی شرکت روبه ورشکستگی بود به من گفت می خواهد دست به کار خلافی بزند تا بدهی هایش را بپردازد. او از روی آگهی ها به چند خانه رفته اما ناموفق بود. او احتمال داد برای جلوگیری از شناسایی شدن دست به قتل بزند و من گفتم: اگر موضوع قتل باشد، من نیستم. و بعد او قول داد که فقط سرقت کنیم. من می خواستم یک شبه ره صدساله بروم پس موافقت کردم. به خانه ای رفتیم که علیرضا قبلاً به آنجا رفته بود. او چاقو درآورد و زن را تهدید کرد. من با طناب دست ها و پاهای زن را بستم و علیرضا به جست وجو پرداخت. بعد آمد و از زن پرسید و او را بلند کرد تا برای نشان دادن پول و طلاها به اتاق مجاور ببرد. بعد کلید را به من داد تا در را قفل کنم. گفت ماهواره را هم بردارم و بعد برای رفتن آماده شدم. ۵ یا ۶ دقیقه بعد علیرضا آمد و با خونسردی به من که می ترسیدم دلداری داد. در مورد دوم خواست تا از اتاق خارج شوم، وقتی بیرون آمد، دست و لباس هایش خون آلود بود. پرسیدم چی شده؟ گفت: می خواست داد و فریاد کند من هم با چاقو او را زخمی کردم. مورد سوم هم مثل مورد اول بود. او با سرعتی کارها را انجام داد که من متوجه سروصدا یا موضوعی نشدم. پس از هر سه مورد سرقت متوجه نشدم که علیرضا آنها را کشته.

متهم ردیف دوم در پاسخ به سئوال قاضی که پرسید مگر روزنامه ها را نخواندی، گفت: من صبح می روم سر کار تا ساعت ۲ بامداد فرصتی برای خواندن روزنامه نداشتم و خونسردی و بی خیالی علیرضا هم باعث شد شک نکنم.

قاضی پرسید: علیرضا در سرقت سوم همه لباس هایش را درآورد. چطور شک نکردی؟

متهم جواب داد: او می گفت شاید یکی بلند شود و من مجبور شوم او را زخمی کنم.

قاضی پرسید: چاقو مال کیست؟

متهم جواب داد: علیرضا!

قاضی از او پرسید که چرا علیرضا چاقوی ضامن دار را در غلاف نگهداری می کرد و او پاسخ داد: هنگام تهدید نمی توانست هم حمله کند و هم چاقو را باز کند.

قاضی پرسید: چطور شک نکردی؟

متهم جواب داد: او فقط چاقو را در غلاف گذاشته بود تا راحت به آنها حمله کند.

متهم ردیف دوم حتی وقتی قاضی از او پرسید که چرا اعتراف کرده بودی پس از قتل به محو آثار انگشت در اطراف جسد می پرداختی، جواب داد: من حتی به سمت جسد هم نمی رفتم، او مرا از اتاق بیرون می کرد.

قاضی از او سئوال های تکراری و پیاپی پرسید و او مرتب ادعا می کرد که از قتل ها اطلاع نداشت. با اتمام دفاعیات متهم ردیف دوم خرمشاهی وکیل مدافع او به دفاع از متهم پرداخت. او از اظهارات متهم ردیف اول اظهار نارضایتی کرد و گفت: او قضیه را با ۱۸۰ درجه چرخش بیان کرده است اما در نهایت این موضوع را یادآور شد که اتهام موکلش تنها معاونت در قتل است در حالی که او قربانی موضوع شده. او انگیزه متهم ردیف اول را قوی دانست و گفت: اعظم دانشجویی بود که می توانست آینده خوبی برای خود ترسیم کند و نمی توانسته انگیزه قوی برای قتل داشته باشد. قضات دادگاه کیفری با اعلام خاتمه بخش علنی دادگاه بخش غیر علنی را برگزار کردند.

سردار زارعی خبر داد: سارقان مسلح دستگیر شدند

گروه اجتماعی: رئیس پلیس استان تهران از دستگیری سارقان مسلح خبر داد. سردار رضا زارعی فرمانده نیروی انتظامی استان تهران در تشریح دستگیری سارقانی که در استان های مختلف کشور اقدام به سرقت های مسلحانه کرده بودند، گفت: رسیدگی به پرونده دستگیری سارقان مسلح از زمانی در دستور کار کارآگاهان قرار گرفت که در ۳۰ فروردین ماه امسال یک دستگاه خودرو پراید زیتونی رنگ، توسط دو سارق مسلح در شهرستان ساوجبلاغ مورد سرقت قرار گرفت. بدین ترتیب تیمی از کارآگاهان جنایی به سرپرستی سرهنگ سعدی بابانژاد فرمانده انتظامی ساوجبلاغ تشکیل و تحقیقات درخصوص این حادثه آغاز شد. براساس این گزارش، ماموران با استفاده از چهره نگاری متهمان، موفق شدند یکی از آنها به هویت حمید ۲۸ ساله را در جریان سرقت کابل های برق دستگیر کنند. حمید بعد از دستگیری اعتراف کرد که با همدستی دو نفر چندین سرقت مسلحانه (سرقت خودرو، منزل و . . .) انجام می دادند. ماموران در جریان یک عملیات غافلگیرانه پلیسی، دو متهم دیگر به هویت کیوان (۲۲ساله) و مجید (۱۹ساله) در حالی که سوار بر یک دستگاه خودروسواری قصد ورود به یک منزل مسکونی در شهر جدید هشتگرد را داشتند، دستگیر شده و در بازرسی بدنی از آنها، دو قبضه اسلحه جنگی کمری، یک عدد شاه کلید مخصوص بازکردن در خودرو به همراه مقداری حشیش، ۲۹عدد قرص اکس و ۵ بطری ۱/۵ لیتری مشروبات الکلی به دست آمد. در جریان تحقیقات از دو متهم بازداشتی، کارآگاهان پلیس پی بردند کیوان یکی از اشرار و سارقان حرفه ای کرمانشاه بوده است که به دلیل ارتکاب جرایم متعدد در این استان با رای قاضی به مدت سه سال به منطقه ای در جنوب تبعید شده است. بر این اساس کیوان در جریان تحقیقات پلیسی کارآگاهان جنایی ساوجبلاغ اعتراف کرد: چندی پیش از محل تبعیدم فرار کردم و به تهران آمدم. سپس با مجید و حمید (دو متهم دیگر پرونده) آشنا شدم و با همدستی آنها یک باند سرقت مسلحانه تشکیل دادیم و با تهدید چاقو و اسلحه اقدام به سرقت خودرو، سیم برق و منزل می کردیم. همچنین مشخص شد که متهمان علاوه بر سرقت های مسلحانه، اقدام به فروش اسلحه، قرص اکس و مشروبات الکلی می کردند. سردار زارعی رئیس پلیس استان تهران در پایان گفت: این سه متهم تاکنون به ۵۶ فقره سرقت های مسلحانه اعتراف کرده اند و تحقیق از آنها همچنان ادامه دارد.

واژگونی مینی بوس در ورودی بزرگراه حکیم

گروه اجتماعی: دو تصادف در دو منطقه از تهران باعث مرگ یک مسافر و مجروح شدن ۲۲ سرنشین دیگر شد. اولین حادثه واژگونی یک دستگاه مینی بوس که ۱۸ دانشجوی دانشگاه علوم بهزیستی سرنشینان آن بودند، در بزرگراه آیت الله حکیم ورودی چمران به زخمی شدن ۱۶ سرنشین آن منجر شد. این حادثه ساعت ۱۱/۴۵ روز چهارشنبه ۱۴ تیرماه اتفاق افتاد. در پی وقوع این حادثه بلافاصله ماموران آتش نشانی و خدمات ایمنی تهران به همراه ماموران کلانتری ۱۲۵ یوسف آباد جهت امدادرسانی و بررسی علت حادثه به محل واژگونی مینی بوس اعزام شدند. با حضور امدادگران در محل مشخص شد مبدأ حرکت مینی بوس مسافربری حادثه دیده اشرفی اصفهانی بالاتر از صادقیه بوده که سرنشینان آن دانشجویان علوم پزشکی (توانبخشی) بوده اند که بر اثر واژگون شدن به ۱۶ تن از آنان جراحاتی وارد شده که حال سه نفر از آنان وخیم گزارش شده است. در پی این حادثه نیروهای اورژانس به محض حضور در موقعیت موردنظر اقدام به انتقال آنها به بیمارستان کردند و این در حالی است که به دو تن از مسافران آسیبی وارد نشده است. محمد تورنگ رئیس مرکز اطلاع رسانی نیروی انتظامی تهران بزرگ به شرق گفت: «این حادثه کشته بر جای نگذاشته است، ولی حال سه نفر از دانشجویان وخیم است. مجروحان بلافاصله جهت مداوا به بیمارستان امام خمینی انتقال یافتند و تلاش پزشکان برای بهبودی آنها آغاز شد.» محمد تورنگ درخصوص علت حادثه به شرق گفت: بعد از وقوع حادثه، بلافاصله کارشناسان راهنمایی و رانندگی در محل حادثه حاضر شدند و اعلام کردند که انحراف مینی بوس به سمت جداول کنار بزرگراه بر اثر از دست دادن تعادل راننده، موجب وقوع این سانحه رانندگی شده است. همچنین تاکنون مشخص نشده که آیا مینی بوس دارای نقص فنی بوده است یا خیر. گفتنی است که در پی واژگونی مینی بوس حدود ۴۰ دقیقه در بزرگراه حکیم و چمران ترافیک ایجاد شده بود.

■ بی احتیاطی راننده پیکان حادثه آفرید

دومین حادثه رانندگی در بزرگراه جلال آل احمد در مسیر غرب به شرق ابتدای پل آزمایش اتفاق افتاد. این حادثه که در ساعت ۷ صبح دیروز توسط پسر ۳۰ ساله ای که سوار بر پیکان بود و قصد سبقت غیرمجاز از سمت راست اتوبوسی که در حال سوار کردن مسافران خود بود اتفاق افتاد. بنا به گزارش شاهدان ماجرا سرعت این سواری به قدری بالا بود که پس از برخورد با عابران با کیوسک باجه بلیت فروشی و آب سردکن که در کنار آن قرار داشت به شدت برخورد کرد و آنها را به فاصله ۵ الی ۶ متری پرتاب کرد. در این حادثه تاسف بار یک نفر از مسافران که قصد سوار شدن به داخل اتوبوس را داشت کشته و ۵ نفر دیگر به شدت مجروح شدند.

خبرها

معاون اول قوه قضائیه خبر داد: برخورد جدی با کارچاق کن ها

گروه اجتماعی، بهنام پاکزاد: «ما روابط ناسالم در رسیدگی به پرونده ها را به عنوان یک آفت جدی می دانیم و با هر شخص یا رابطه ای که بخواهد پرونده ها را از مسیر قانونی و عدالت خارج کند برخورد جدی می کنیم.» معاون اول قوه قضائیه صبح دیروز در حاشیه مراسم افتتاح سایت آموزشی و پژوهشی پزشکی قانونی و فاز ۲ آزمایشگاه پزشکی قانونی که در مرکز تحقیقات علمی و آموزشی این سازمان در کهریزک برگزار شد با بیان مطالب فوق افزود: بنای دستگاه قضایی شناسایی و برخورد بسیار قوی و جدی با دلالی، کارچاق کن و روابط ناسالم در پرونده ها است. از این رو در این جهت اقداماتی انجام شده که عوامل مربوطه هر نوع روابط ناسالم با قاضی، قضا، دادگستری و نظام دادرسی را شناسایی و با آن برخورد کنند. وی در ادامه در خصوص سنتی بودن تجهیزات دستگاه قضایی گفت: اگر چگونگی رسیدگی به پرونده ها را سنتی قلمداد کنیم ما تمام تکنیک ها و روش های موجود در دنیا را در رابطه با ثبت پرونده ها، تحقیقات و انجام معاینات محلی و کاری در پزشکی قانونی داریم که اینها می تواند نقش بسزایی را در رسیدن به حقایق ایفا کند. به گفته رئیسی مبنای دستگاه قضایی نیز بر این است که قضات از تکنیک ها و ابزارهایی که در اختیار سازمان هایی چون پزشکی قانونی است در کشف حقایق استفاده کنند. معاون اول قوه قضائیه به مجتمع عدالت تجریش اشاره کرد و گفت: این مجتمع را به عنوان یک نمونه قرار دادیم تا به مشکلات آن پی ببریم. در ابتدا مشکلات فراوانی وجود داشت که طی یک سال اخیر کاهش پیدا کرده و اکنون قابل انتقال به استان های دیگر است، به طوری که هم اکنون در استان های کوچک دنبال می شود. رئیس سازمان پزشکی قانونی کشور نیز در حاشیه این مراسم به خبرنگار شرق گفت: با امکانات و قوانین موجود آمادگی تاسیس دانشگاه پزشکی قانونی کشور را داریم. دکتر شهاب الدین صدر افزود: تاسیس چنین دانشگاهی باعث ارتقای کیفیت آموزشی می شود. ما تقاضای تاسیس این دانشگاه را در داخل دانشکده علوم قضایی مطرح کرده ایم که قوه قضائیه در حال پیگیری آن است. صدر در ادامه با بیان اینکه هنوز تعرفه دولتی اعلام نشده است و این ارائه خدمات در بخش دولتی را با اختلال مواجه کرده است، گفت: دولت باید تعرفه های بخش دولتی را واقعی کند که بتواند بیمارستان های دولتی را هم گردش دهد. وی درباره مرکز پزشکی قانونی که در کهریزک واقع شده، گفت: این مرکز در خاورمیانه بی نظیر و در دنیا کم نظیر است و بعد از افتتاح آن در سال گذشته توسط رئیس قوه قضائیه امروز (چهارشنبه) بخش بعدی آن افتتاح شد.

۱۹ تیر انتخابات هیات مدیره و بازرسان انجمن صنفی روزنامه نگاران

شرق: انتخابات هیات مدیره و بازرسان انجمن صنفی روزنامه نگاران ایران در ۱۹ تیرماه جاری در مجمع عمومی عادی سالانه در محل سالن اجتماعات این انجمن برگزار می شود. پیش از برگزاری مجمع عمومی عادی، به منظور اصلاح اساسنامه و نیز اصلاح حق عضویت، مجمع عمومی فوق العاده نیز تشکیل می شود. قرائت گزارش هیات مدیره و بازرسان و رسیدگی به اظهارنظر درباره آنها و بررسی و تصویب توازن مالی انجمن، دیگر دستور جلسه مجمع عمومی عادی سالانه خواهد بود. روابط عمومی انجمن صنفی روزنامه نگاران از اعضایش دعوت کرده با همراه داشتن کارت دارای اعتبار انجمن در مجمع عمومی روز ۱۹ تیر ماه شرکت کنند. طبق اساسنامه هر عضو فقط می تواند وکالت یک عضو دیگر را بر عهده داشته باشد و نمایندگی اعضا به صورت کتبی معتبر است. بر این اساس وکالتنامه ها باید تا ۲۴ ساعت قبل از برگزاری مجمع عمومی به صورت کتبی به دفتر انجمن تحویل شوند و هیچ وکالت نامه ای، پس از مهلت یاد شده پذیرفته نخواهد شد. اسامی نامزدهای انتخابات هیات مدیره و بازرسان انجمن صنفی روزنامه نگاران به این شرح است: ۱- ماشاءالله شمس الواعظین. آزاد، ۲- فریبا داوودی مهاجر. حیات نو، ۳- ناصر یمین مردوخی. ابتکار، ۴- مینو بدیعی. ماهنامه صنعت، ۵- بهزاد دوران. کتاب علوم اجتماعی، ۶- سودابه قیصری. همشهری ۷- بهروز گرانپایه. آزاد، ۸- اسماعیل علوی یگانه. ایران، ۹- حسین ارباب. خبر ورزشی، ۱۰- بیژن سورانی. جوان، ۱۱- رضا سعیدی پور. ماهان سپاس، ۱۲- علیرضا کرمانی. ماهنامه نامه، ۱۳- محمد کسایی زاده. آزاد، ۱۴- احمد زیدآبادی نژاد. شرق، ۱۵- سیدافشین امیرشاهی. همشهری، ۱۶- رجبعلی مزروعی. سرمایه، ۱۷- زهرا عرب، جام جم، ۱۸- رضا مقدس. همشهری، ۱۹- عباسعلی افشین راد. استقلال جوان، ۲۰- علی عمادی کوچک. همشهری، ۲۱- حمیدرضا رضازاده بهاران. قدس، ۲۲- فرزانه روستایی. شرق، ۲۳- تقی دژاکام (فلاح فر). کیهان، ۲۴- محمود ظهیرالدینی. جام جم، ۲۵- رحیم چوخاچی زاده مقدم. کیهان، ۲۶- لیلا رستگار. دوچرخه، ۲۷- رسول اصغری. سرمایه، ۲۸- مهدی یمینی. خبرگزاری مهر، ۲۹- سید ابوالحسن مختاباد. همشهری، ۳۰- بدرالسادات مفیدی. شرق، ۳۱- بیژن مقدم جهانگیری. رسالت، ۳۲- کریم ارغنده پور. آزاد، ۳۳- علی یوسف نژاد. ورزش و اندیشه، ۳۴- علی ربیعی. کار و کارگر، ۳۵- حسین قندی. جام جم، ۳۶- مجید رضائیان. جام جم، ۳۷- آرش حسن نیا. اعتمادملی، ۳۸- داود غرانوش. کیهان، ۳۹- اصغر آهار. سیاست روز، ۴۰- مازیار خسروی. خبرگزاری آفتاب، ۴۱- محمد مهاجری. جام جم، ۴۲- مسعود سفیری. ۲۰ ساله ها، ۴۳- شریف خسروی. رسالت، ۴۴- شهلا اکوی محصل. آتیه، ۴۵- امیر محیان. رسالت.

■ اسامی نامزدهای انتخابات بازرسان:

۱- رضا اسماعیلی. کیهان، ۲- سعید پویش (افشاری). صاحب قلم، ۳- زهره خوش نمک. آزاد، ۴- امیر انصار. اعتمادملی، ۵- سهیل ارادتمند. شوکا - تجربه، ۶- ندا کشاورزی. آزاد، ۷- اسماعیل آزادی. آزاد، ۸- کاظم رهبر. آزاد، ۹- ناصر علاقبندان. جام جم، ۱۰- رسول اولیازاده. جام جم، ۱۱- فرشاد مهدی پور. همشهری، ۱۲- وحید پوراستاد. اعتمادملی، ۱۳- صادق خاموشی. کارون، ۱۴- مهدی اسلامی. آفرینش، ۱۵- منوچهر توکلی. همشهری، ۱۶- عذرا فراهانی. آزاد، ۱۷- علی جوزی. خوب اندیش، ۱۸- داود میرزایی. آتیه، ۱۹- احسان مقدم. کیهان، ۲۰- محمدرضا عدل. جهان صنعت، ۲۱- ابوالقاسم شاکری. جام جم، ۲۲- رضا سلیمان نوری. همبستگی، ۲۳- داوود محمدی. سرمایه.

مردمک

۲۲۰۵۳۳۷۲

نشانی اینترنتی: www.sharghnewspaper.ir

پست الکترونیکی: Info@sharghnewspaper.ir

شرکت واحد خسارت نمی دهد

حسین ابوالفتحی: مدتی قبل اتومبیلم را مقابل خانه پارک کردم. چند لحظه بعد یک اتوبوس شرکت واحد به شدت با اتومبیل برخورد کرد، آن را ۱۵ متر هل داد و خودرو ۶۰ متر جلوتر، پس از عبور از روی جدول کنار خیابان در پیاده رو متوقف شد. راننده اتوبوس علت حادثه را نقص فنی می دانست و قبول نداشت که سرعتش زیاد بوده. گزارش کارشناس خسارت وارد آمده به اتومبیلم را مبلغ دو میلیون تومان تعیین کرد. وقتی به بیمه شرکت واحد مراجعه کردم، آنها کارشناسی قوه قضائیه را قبول نکردند و گفتند که فقط تا سقف یک میلیون تومان از خسارت را پرداخت می کنند و مابقی را باید از راننده اتوبوس بگیرم. این در حالی است که راننده مزبور وضعیت مالی مناسبی ندارد و مابقی خسارت را به من پرداخت نمی کند. آیا شرکت واحد نباید بر نحوه رانندگی پرسنل خود نظارت کند و آیا شرکت واحد در صورت بروز تصادفات پیش بینی ناپذیر نباید هیچ گونه مسئولیتی بپذیرد.

بی نظمی در جلسه کنکور امسال

از کرج تماس می گیرم. روز جمعه ۹ تیرماه در کنکور ریاضی شرکت کردم. حوزه امتحانی من دانشگاه تربیت معلم حصارک کرج بود. سازمان سنجش گفته بود که یک ساعت قبل از شروع امتحان درها بسته می شود ولی در این حوزه امتحانی تا ساعت هشت صبح و حتی بعد از شروع امتحان هر کسی دلش می خواست می آمد و امتحان می داد. از طرفی آزمون نیز با ۱۰ دقیقه تاخیر شروع شد. موقع امتحان نظارت جدی بر شرکت کنندگان نمی شد و آنها به راحتی با هم صحبت می کردند و مراقب ها نسبت به این امر خیلی بی توجه بودند. بعد از پایان امتحان نیز خیلی ها سئوالات را با خودشان بیرون می آوردند بدون اینکه کسی جلوی آنها را بگیرد. سازمان سنجش اعلام می کند که جلوی تقلب ها و بی نظمی ها در کنکور امسال گرفته می شود. اما متاسفانه در حوزه ای که من امتحان دادم اصلاً چنین چیزی دیده نمی شد. متاسفانه کنکور امسال نسبت به سال قبل که شرکت کرده بودم فوق العاده بی نظم برگزار شد.

مشکل قانون بازنشستگی در وزارتخانه ها

یک مهندس پتروشیمی ام و در وزارت نفت مشغول به کار هستم. در بسیاری از وزارتخانه ها و دستگاه های دولتی کارکنان آنها با ۳۰ سال سابقه خدمت و بدون هیچ پیش شرطی بازنشسته می شوند